

## بسم الله الرحمن الرحيم

### سوره مبارکه همزه

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (۲) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳). وای بر آن آدمی که می نشیند عیب های دیگران را پیدا می کند و آن وقت از آن عیب ها سعی می کند آن ها را زمین بزند. خدا می گوید که چرا همچین آدمی چنین کاری را انجام می دهد. علتش این است. به خاطر این است می نشیند روی هم و روی هم مال جمع می کند و باورش این است يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (۳). فکر می کند با مال جمع کردن یا با همه آن چیز هایی که می تواند از مصادیق مال باشد با بچه و کتاب و این و آن می تواند ماندگار شود. یعنی اینکه برای همیشه در عالم بماند. حال یا خودش بماند یا نامش بماند. فکر می کند با این کار ها می شود ماندگاری را به دست آورد. ولی خب طبیعتا این نظر خدا نیست. بیاییم ببینیم چرا این آدم با این فکر نتیجه اش این می شود که همز و لمز کردن. خب فکر کنید که من ماندگاری را از مال بخواهم ولو اینکه خیلی مال داشته باشم، قسمتی از مالم در اختیار شما است. آن قسمتی از مال که در اختیار شما است، بخشی از ماندگاری من است که اشتباها در جیب شما رفته. انتظار ندارید که از آن بگذرم. پس من همه تلاشم را می کنم که ماندگاری ام را از شما پس بگیرم. بهترین راه ممکن این است می نشینم عیب های شما را پیدا می کنم و انقدر می زنم تا از آن عیب ها شما را زمین گیر کنم تا سهم ماندگاری ام را پس بگیرم. وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (۱). بله، نتیجه طبیعی پندار اینکه با مال می شود ماندگار شد و همیشه ماند، چیزی جز این نخواهد بود که من همز و لمز انجام دهم و البته خدا می داند که این ماجرا چه آتشی به پا می کند در دل خود آن آدم و در کل جامعه اش و دامن همه را می گیرد که خدا می گوید كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵) نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ (۶) الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ (۷). مثل دیگ زودپز آن آدم و جامعه اش را سرخ می کند. البته در دیگ زودپز سرخ نمی شود! آب پز می شود. ولی این اتفاق می افتد. این نگاه همچین بلایی را بر سر جامعه می آورد. خب پس برای اینکه این اتفاق نیفتد، باید بدانیم که البته مال جمع کردن چیز بدی نیست. ولی اگر کسی مال هم جمع کرد و اگر کسی پست و مقام و نقش اجتماعی را هم بر عهده گرفت، ماندگاری را از این ها نخواهد. بلکه ماندگاری را باید از همان پروردگاری بخواهد که در سوره کوثر گفتیم ماندگاری از جانب او می آید. اگر این اتفاق بیفتد، خب خدای مهربان ذخایر خدا در این عالم که اسماء و صفات خدا باشد، تمامی ندارد. در نتیجه هرچقدر شما کامل شوید، سهمی از ماندگاری من را نخواهید گرفت. پس ما دیگر با هم دعوایی نداریم. شما کامل شوید، من هم کامل می شوم. هر دو هم به ماندگاری می رسیم. حال هرچقدر مال خواست دست شما باشد قسمتی هم دست ما باشد. ان شاء الله که این صفت در ما شکل بگیرد و دچار همز و لمز نشویم.

## غرض سوره مبارکه همزه

**گوینده:** به چشم هایت مغرور می شوی، این لحظه نقطه پایان دیدن هایش می شود. به دستهایت مغرور می شوی این لحظه نقطه پایان گرمایش می شود. به پاهایت مغرور می شوی این لحظه نقطه آخر قدم از قدم برداشتن می شود. گاهی وقت ها انقدر مشغول و شیفته خودت می شوی که در مسیر، همه خوبی ها را زیر پا میگذاری. شاید شبیه به تمام وقتهایی باشد که زیر قدمهایت صدای خورد شدن برگهای پاییزی را می شنوی و حتی سرت را برای لحظه ای پایین نمی گیری تا بینی قدم های مغرور تو برگ ها را چند تکه کرده است.

### استاد چیت چیان:

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه همزه پرهیز دادن از یک صفت اخلاقی زشت است. عیب جویی و طعنه زدن و تیکه انداختن به منظور خرد کردن طرف مقابل. یکی از صفاتی است که اگر بین ما باشد بسیار خطرناک است. زیرا سوره ی همزه می گوید این عمل زشت در افرادی شکل می گیرد که نسبت به آن چیزهایی که دارند خیلی می نازند. فکر می کند خوش صحبت است، فکر می کند خوش قیافه است، فکر می کند درس خوان است. اینکه انسان ها به چیزهایی که دارند مطمئن می شوند که آن چیزها را برای همیشه خواهند داشت، آن ها را به این وا می دارد که انسان های دیگر را خرد کنند. البته سوره ی همزه می گوید: فکر نکنید آنها خرد می شوند بلکه قبل از هر چیز، خود آن آدم خرد می شود:

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ (۴) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ (۵)

سوره مبارکه همزه آمده است تا ما را برای همیشه از یک صفت اخلاقی زشت دور کند. صفت عیب جویی، دنبال عیب آدم ها گشتن، عیب آدم ها را برجسته کردن، به آدم ها تیکه انداختن به منظور خرد کردن آنها. این صفت قبل از هر چیزی خود ما را خرد خواهد کرد.

انشاءالله به برکت سوره ی همزه این اتفاق برای بیفتد که در زمره ی انبیاء الهی قرار بگیریم که نه تنها آدمی را خرد نمی کردند بلکه سعی می کردند کاری کنند آدم هایی که سعی در خرد کردن آنها داشتند خرد نشوند و بایستند. رسمشان شکستن نبود، رسمشان وصل کردن و برپا داشتن بود.

**گوینده:** این را سوره ها گفته اند که سوره همزه حکایت قرار گرفتن در مسیر انبیای خداست که رسمشان بزرگواری بود و هست و خواهد بود.